









بسم الله الرحمن الرحيم

تسایس هر از آتش صانع را سزاوارست که طایق سموات بعضی بر او نشسته و بپا زد و اگر بوقت  
 شب باقی بگویم که آتشی از آسمان بر زمین الگو آب از آب و زمین داده و بقصد و برترش قادر را  
 رسد که هر یک از کواکب ثوابت و سیارات را اثر و خاصیت موجود فرمود **شعر** جل من لا اله الا هو لا تعالی کف و لا  
 کاف لغت ذاته الالهی حار و نور و همه الالهین و در دنیا معدود و در آخرت معدود و در بارگاه خورشید باد  
 که در جهت رصد و تعب مد و زنج جدید شریعت و قانون طریقه که در اخبار سما و دران درج فرمود و برای  
 العین درجات سموات و حرکات سیارات را مبدء فرموده و نور عبور خود این مبدء فرموده و نور  
 منور گردانید و خطبه استوار بر عرش خود و در تحت از منبر افکار و در فوق از خطبه افکار **افکار** نه فرغ از  
 رخش و خوشه شعله مهر و نور و خورشید و در شایسته و پیرین سنیع انوار بین است و پس **والا** و اول اعظم  
 کلام او که مکرر خاک از نباتات قدوم بین مورد و الا در حق فرشتگان قطع الابد و من گشته و که افکار از غیبت  
 عالم خاک شعله یا لینه گشت بر با گشته هر گاه که بی نام نامی بین سمت تحریر یا بهر و هر خطبه که به اسم  
 سامی بین و رسم تقریر پذیرد و قطع خواهد بود صلوات الله و سلامه علیه و علیه و آله و سلم **بعد** بر زمین  
 عالم را برباد رفت و پیش از سینه و دست بر ت که حضرت عزت جل آلوده و در توالی هیچ شی از زمین را بهای  
 خلق کرده است کقول السلف خالق الله ربنا عینا پس هر ذره از ذرات کائنات فایده و خیر و صلاح و نفع  
 مرتب است و هر شی از نباتات محتمل بضر و منفعت مخصوصا اجرام کواکب که با اتفاق جمیع سلف و اجماع  
 اعیان خلف منشا فیض بغایت و عبودیت و منافع به نهایت اند و هر ذره ذرات از فیض متولای  
 مستفیض و هر شی از نباتات انوار بین است و کون و ف و افعال متعلیه سبب اثر  
 نظرات کواکب در عالم علوی **شعر** به سبب زهرمان تا به هر ذره به سبب بر زمین تجدد و در عالم کبریا  
 دانش گشتن جریع بهما فکر و در اندیش از جملات کوشش افکار مختلف و مضاعف کند از آنکه بلند از هر یک  
 جدا اثر و کمال اثر را نه چند از دیگری آورد حکم را که کون از برای جهان بینان بیرون و لا جرم هر میان  
 بارگاه دانش پیش نظر دقیق و فکر عمیق حرکات افکار و در و سایر کواکب ثوابت و سیارات و جوی  
 خاصی دیده منافع آن با آنچه بالهام و بجز به یافته در تعلیقات ثبت فرموده اند که از ادو خا و افکار و غیر  
 بخیر آنچه تعاضد می فرزند استعجال آن و جب دانند و آنچه تمسار شود و می کند در رقع آن حال و مکان  
 گویند و اختیار وقت جهت تجدید یکس و طلب معاش و رفتن سفر و وصول خبر و بزم و زهر و گشت و کار

در جهان با نذر و تر انداز و فرزند کار عالم و اول **شعر** بختی علم جملتها چند خاصه آن که صاحب خاصه است  
 زهر و گشت و کار اختیار و تفنن و در کار ارباب حکمای روشن در بهشت بهی الهام و جی با کمال است  
 که بعد از زبان ابر خویش صدق آن عاقبت شود معلوم و مسود این ادراک و محراب این کتاب به صغیر الله  
 و اوجهم الله الفقه قطب الدین عبدالحی الزاهدی الحسین الکاکر و فقه اسد لما یکبیر رضی بعد از شرفی  
 مقدمات علوم دینیه الهیه و بشرق علم نجوم نمود و بنا بر وجود مواضع انکار این آرزو از حجاب غیب رخ  
 نمینمود تا بدین جزو زمان که این سرگردان با وجود آنکه چون کواکب معجزه در تحت شعاع انساب انظار در  
 احتراق و چرخ بر صفر در محاق افتاد بود اخوان و خدان سبب از بهباب اتفاق نموده بودند که اگر  
 صاحب جلد خواستی که با ذیل اعطاکم که محتاج از وجود این شکسته مال بر طرف نماید جنوف و در دست اقدار  
 از عاقبت پیراه عطا می آن صاحب کمال آوردند تا این فقیر بهی فقر از دست خاصه انوار  
 آن انساب که در بر بهر و مخفی گشتن و غیبت یافته بشرق مطالعه انعم شریف فرستاده و هر نکات  
 معجز که در زبان این فیض بنظر رسید با خود مشورت نمودم که اگر در طریق استخراج تقادیم کواکب از درج  
 و در بیان آن و سافقین طالع میواید مسوده نماید که طالعیان انعم شریف در حق استخراج در جهان  
 بر این بیان کردیم که در درج صاحبان دین و دولت مستحسن نماید و بعد از آن مطالعه کنندگان  
 مؤلفه ابدع اثرش را کند تا نف عقل ندای **شعر** یا خادیم جسم کم تسبیح مجده الطالب الیج فیما فیها  
 اقیق القیاس کل قضایا لها فائت بالنفس لا بالجسم ان **در** داد و این فقیر با قوزم بال و تفرق  
 حال مرطاعت و انقیاد بسته چند کلمه در س ختم عقد تقویم و حل بعضی از تخلفات میرزای شریف الع  
 یک بن شاه رخ بن تیمور کوکران اما الله بر نه در جزو تحریر در کتب و انکسار با بکل عقد موسوم  
 ساحل التماس از مطالع کنندگان آنکه برین و خطا اگر مطلع شوند از اصلاح فرمایند و آلا بذیل  
 عطف خط باشند این کتاب بر مرد و مقاله و خاتمه اتفاق افتاد **مقاله اول** در آنچه تعلق استخراج تقویم  
 دارد و محل بعضی تخلفات میرزای شریف و عقد تقویم شتمی برنج **باب اول** در بیان استخراج تقادیم کواکب  
 سبب سبب در این تقادیم شتمی در چهار کواکب است در طریق استخراج شتمی **فصل اول** در بیان استخراج  
 اوسا کواکب در این استخراج **فصل دوم** در طریق استخراج شتمی در استخراج **فصل سیم** در طریق تعین  
 مابین السطرن و تصحیح تعین در استخراج تقادیم کواکب بایره در نصف النهار و غیر نصف النهار و جدول  
 تقادیم کواکب است و در طریق استخراج و حصول کف الخشب بنصف النهار **فصل چهارم** در بیان استخراج







صورت جدول اوسطا قدر در مذکور نیست <sup>۴۰</sup> و چهار بر سر **عکس** با حرکت یکسان هر یک یک می شود <sup>۴۱</sup> **عکس** شده است که اوسطا درست است و چهار بر سر **عکس** با حرکت یکسان هر دو دوازده مرتبه بنزدیم بران صورت حرکت او در ماه چهار دوازده گانه حاصل آید و چهار بر سر **عکس** بنزدیم سه وقت **عکس** شد پس بران نحو عمل است

[illegible]







حاصل شد. **نقطه** قمر بزرگ تقدیر اول بر گیرند و بر خاضه افزاییم تا خاضه معدل شود و بخاضه معدل تقدیر از  
 پنج بر گیریم و حاصل ضرب حاصل در خلاف بر هر افزاییم تا تقدیر معدل حاصل آید و از بعد از تقدیر الایام قمر تقویم  
 انخاب بر نوشته از دقایق تقدیر که کند و با وسط جمع کنیم تقویم قمر فلک تقدیر الایام حاصل آید و وسط  
 پس یعنی آن تقویم که از دور نوشته باشیم بر تقویم افزاییم تا حصة النور شود **مثال** در اقل هر دو ماه جلاله تقویم  
 قمر فلک تقدیر بود این **دوما** وسط پس در اول ماه فروردین **اول** جمع کردیم شد این **طاس** و این حصة النور  
 و اگر حصة تقویم هر حاصل کنیم فصل الدور الیهم هر روز سه دقیقه از هر یک کنیم الا در سیم جلاله و در دهم  
 و بیستم و بیست و ششم که چهار دقیقه که غایب از هر تقویم میوه آن ماه حاصل می آید و چنانچه تقویم هر یک از تقویم قمر  
 یال که می کنیم حصة النور حاصل شود **مثال** تقویم قمر یال **دوما** وسط پس **اول** فصل الدور یعنی از دور نوشته  
 نقصان کردیم شد **طاس** و این تقویم هر یک در روز پس تقویم هر یک از تقویم قمر فلک یال که کردیم هر حصة النور  
**طاس** و این بعینه حصة النور بعد از آن است پس اگر زیاده است حصة النور بعد از آن است  
 بر گیریم و از تقویم قمر کایم اگر حصة بعضی از ربع اول و سیم شد و بقیه از ربع دیگر باشد حاصل تقویم قمر  
 از فلک مشهور و وقت مطلوب اما بعد از یال یا پس السطرن است که چون خواهیم که تقدیر اول یا ثانیه قمر داریم  
 یا کوب یک در مقابل ربع و در هر ربع قمر نوشته حصة النور در ربع اول و دیگریم و در دقایق مرکز یا خاصه هر یک کنیم  
 و اگر تقدیر در دقایق باشد از وی که کنیم و اگر در ربع است هر افزاییم تا تقدیر معدل بما پس السطرن حاصل آید و از  
 در جدول تقدیر اول یا ثانیه سیم **مثال** در اقل شهر نور ماه جلاله حرکت مرکز قمر رسیده بود به **وسط** از جدول  
 تقدیر اول در مقابل میزان و نوشته بود این **ع** و در مقابل ربع است در جدول این **دلا** پس تفاضل کنیم یعنی  
 که از پیش رفتیم تفاضل این **ع** و **طاس** تفاضل را در **د** که دقیقه مرکز است ضرب کردیم شد این **د** پس این ملاز تقدیر  
 مقابل نوشته در ربع که کردیم زیرا که در در دقایق است شد این **د** و خاصه از روز بود این **ع** پس دقیقه بر حصة  
 و در هر ربع خاصه افزودیم شد خاصه بود این **ع** و **طاس** و چون رفع نمیشد طرح کردیم **اما طریق** در است  
 تقدیر اول از پنج به اگر چون تقدیر اول یک از سیم و اگر کاتب سه کرده باشد و خواهیم که دست کنیم غایت تقدیر  
 انکوب را تصغیف میکنیم و بر در ربع مطلوب ربع تقدیر می افزاییم و رقم تقدیر ربع عام او بر می داریم از دور  
 یعنی ضعف غایت تقدیر بر داریم حاصل هر دو مطلوب سیم **مثال** در تقدیر اول فصل رقم که در وقت نصف در جدول  
 نوشته بود این بود **د** نوشتیم که بداییم که جمع است یا نه غایت تقدیر فصل که است تصغیف کردیم شد  
 و با که در ربع اول است افزودیم **کا** شد پس تمام لو که حوت به **طاس** شد می از رقم تقدیر بر نوشتیم بود این **ع**

از دور

**طاس**  
**ع**

از دور رفتیم بود این **ع** و این بعینه رقم وقت در حصة جدول شد و در تقدیر پس هر یک به **د** و با که تمام هر یک  
 به **کا** حوت به **طاس** تمام دلو به **د** و **د** است و تمام سنبل میزان و تمام میزان سبند و تمام حوزا جدی  
 و بر عکس و تمام سرطان قوس و بر عکس و تمام میزان پس بخاضه معدل تقدیر تا معدل بما پس السطرن بطریق که است  
 اگر ایست بر داشتیم شد این **طاس** و دقایق انحصار اگر خاصه معدل مرکز از شش ربع باشد از جدول پس از حانات  
 و الا از جدول بعد از خلاف بر دارند و در پنج چون خاصه معدل بیشتر از شش ربع بود از جدول بعد از حانات  
 دقایق انحصار بر داشتیم شد این **ع** و خلاف بخاضه معدل از جدول خلاف بر داشتیم شد این **د** مخصوص  
 این **د** بر تقدیر تا از دور شد تقدیر معدل این **ع** تقدیر الایام تقویم قمر کایم بود این **د**  
 و وسط قمر در اول شهر بود **طاس** پس تقدیر معدل ابا و وسط جمع کردیم و تقدیر الایام از دور که کردیم شد تقویم قمر  
 فلک تقدیر این **طاس** و تقویم هر یک این **طاس** پس هر یک از تقویم قمر فلک باید که کردیم حصة النور **د**  
 و حصة النور تقدیر هر یک بر داشتیم شد **د** و چنانچه آن ربع چهارم بود بر تقویم قمر یال افزودیم شد تقویم  
 قمر فلک شد این **طاس** اما در میزان حصة استخراج مرکز خاصه و وسط قمر است که حرکت در روز  
 تا مرکز **د** و حرکت است روزنه تا **د** چون بر اول ماه مرکز افزاییم حواتی آید یا یا نوزدهم و بیست  
 و یکم صحیح شد و الا سهو شده باشد و همچنین رقم ده روز تا **د** و بیست روز تا **د** و بیست روز تا **د**  
**کا** و رقم ده روز تا **د** و وسط **د** و بیست روز تا **د** و چون حرکت یکروزه با روز می آید از ماه جلاله جمع کنند حرکت سیه و دیگر حانات  
 حرکت یکروزه در آن ماه حاصل آید و چون حرکت یکروزه با روز می آید از ماه جلاله جمع کنند حرکت سیه و دیگر حانات  
 حرکت یکروزه مرکز **د** و خاصه **د** و وسط **د** و در مرکز خاصه در یا نوزدهم و بیست یکم **د** و نوزدهم  
 و در **د** و **د** و اما در وسط در سیم یا **د** جلاله و پنجم و هشتم و دهم و دوازدهم و پانزدهم و هجدهم و بیستم و بیست و یکم  
 و بیست و چهارم و بیست و هفتم و بیست و نهم **د** نوزدهم تا **د** سیزدهم و در در سیم قبل از این سمت که بر یافت  
 اما در پنج کوب باقی مرکز تقدیر اول یکیم و بر مرکز افزاییم و از خاصه جاکایم تا مرکز خاصه هر دو معدل شوند  
 پس بخاضه معدل تقدیر هر دو و خلاف بر گیریم و نگاه داریم پس اگر خاصه معدل مرکز از شش ربع باشد یعنی از اول  
 حمل تا آخر سنبل مرکز معدل از جدول دقایق انحصار موضوعه قبل از خلاف بر داریم و اگر بیشتر باشد از خلاف  
 بعد از خلاف بر داریم و در خلاف ضرب کنیم و حاصل را با تقدیر دوم جمع کنیم تا تقدیر معدل حاصل آید پس  
 تقدیر معدل را بر مرکز معدل افزاییم و مرکز حاصل نیز گویند و چنانچه در وقت مرکز خاصه از این تقویم کوب در وقت  
 حاصل آید و چون کوب مستقیم باشد رقم فوق از حرکت نقصان کنیم بهت حاصل آید و اگر راجع بود بر عکس

ح ح















جد و اساعات وصول كلف الخضيف النما در شب نوز

[illegible]

جلد و ساعت و صوف الخشب المهار

[illegible]











در نشود بنا برین عرض ندارد و کواکب بسته باینه چون اند راه آفتاب و درین وقت کواکب عرض کونین  
 چون خوانند که عرض قمر باشد و در تقویم نویسنده جدول در رب تقویم قمر وضع کنند و کعبه العرض ازین  
 در جدول عرض قمر معادل باین السطری بر دارند و در همان تقویم همان روز نویسنده تا تقویم قمر در طول و عرض  
 بر آید و در آن باشد **مثال** خواهستیم که در اقل در ادمه جلا در عرض قمر بدینم و در آن روز حصه العرض بوجه کرد  
 فصل سیم و ذکر مشرب بود این **ط** **ا** که کعبه این بجدول عرض قمر آیدیم بود و عرض این **ط** چون تفاضل شود  
 محتاج بقدر باین السطری شد و این عرض قمر باشد و قاعده کلیه در شمال و جنوب و صاعد و زائد  
 است که چون حصه العرض کمتر از شش برج باشد عرض شمال است و الا جنوب و اگر از شش برج اول و چهارم باشد  
 عرض صاعد باشد و الا باطل و در ربع اول و سیم زاید بود و الا ناقص پس باین قاعده عرض مذکور جنوب  
 صاعد ناقص باشد و الله اعلم **عقد پنجم** در عرض کواکب ملویه یعنی زحل و مشتری و زهره و مریخ و عطارد و زحل  
 که عرض کواکب دوری است از منطقه البروج و عرض کواکب ملویه برین طریق استخراج باید کرد که هر مرکز معادل  
 دقایق النسب عرض بر گیریم و اگر بزرگ از دقایق النسب عرض شمال یا جنوب باشد معادل ازین شمال یا بر گیریم  
 و الا ازین جنوب بر گیریم و در دقایق النسب عرض یکیم حاصل ضرب عرض شمال یا جنوب و بیشتر یا کمتر  
 بروی چند عرض حاصل کنیم تا معلوم شود که زاید است یا ناقص زاید شمال و ناقص جنوب صاعد و زائد جنوب  
 و زاید جنوب باطل بود **مثال** خواهستیم که عرض زحل بدینم مرکز معادل این **ط** و دقایق النسب جنوب بود **ط**  
**ط** معادل بود این **ط** از جدول میل جنوبی بخاصه معادل بود ششم شد این **ط** پس میل در دقایق النسب  
 ضرب کردیم شد عرض زحل جنوبی این **ط** مرکز معادل کعبه بر ششم زاید است یا ناقص ده روزه بعد بر کعبه  
 بود این **ط** دقایق النسب جنوب بود این **ط** و خاصه معادل همان روز بود این **ط** میل جنوبی بر کعبه ششم **ط**  
 پس میل در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض جنوبی ناقص صاعد **ط** و الله اعلم **مثال** عرض مشرب مرکز معادل در اقل  
 فرود آمد مذکور بود **ط** ازین جنوبی بر کعبه ششم دقایق النسب عرض جنوبی بود بعد از معادل باین السطری این **ط** و  
 و خاصه معادل همان روز بود **ط** ازین جنوبی بر کعبه ششم بود **ط** در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض مشرب جنوبی  
**ط** و کعبه زاید و ناقص مرکز زده روزه عقب این بر ششم بود **ط** و دقایق النسب جنوبی **ط**  
 خاصه معادل همان روز **ط** از آن معادل تبدیل باین السطری میل جنوبی بر کعبه ششم بود **ط** عرض مشرب جنوبی  
 ناقص صاعد **ط** و الله اعلم **مثال** دیگر در عرض مریخ در اقل فرود آمد مذکور مرکز معادل مریخ بود این **ط** و  
 بزرگ دقایق النسب عرض **ط** بر کعبه ششم بود معادل باین السطری **ط** خاصه معادل همان روز **ط** میل جنوبی **ط**

ط

ط

در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض مشرب جنوبی و کعبه زاید و ناقص مرکز زده روزه عقب این بر ششم بود  
 دقایق النسب جنوبی خاصه معادل همان روز **ط** از آن معادل تبدیل باین السطری میل جنوبی  
 بر کعبه ششم بود **ط** در دقایق النسب ضرب کردیم شد عرض جنوبی مریخ **ط** مرکز معادل عقب **ط** و دقایق النسب  
 جنوبی **ط** خاصه معادل **ط** میل جنوبی **ط** ضرب کردیم شد عرض مریخ ناقص **ط** و الله اعلم  
**عقد ششم** در بیان عرض سفلی باین بغیر از خط ردی که مرکز معادل هر یک از عرض اول و دقایق النسب عرض  
 دوم و سیم بر گیریم و عرض اول زهره و ایا شمالی و عرض اول عطارد جنوبی بود و ایا عدست شمال یا جنوب هر یک  
 از دقایق النسب عرض دوم و سیم نگاه داریم و بخاصه معادل هر یک ازینم و استخراج بر گیریم و عدست **ط**  
 در هر دو نگاه داریم پس دقایق النسب دوم و سیم ضرب کنیم عرض دوم حاصل شود پس بگیریم اگر هر دو عدست  
 و دقایق النسب **ط** باشد با هر دو **ط** باشد عرض دوم شمالی شد و الا جنوبی پس دقایق النسب عرض سیم در هر دو  
 ضرب کنیم تا عرض سیم حاصل شود و چون آن قیاس معلوم باید کرد و چون هر عرض معلوم شد اگر کمتر  
 از یک کعبه باشد جمع کنیم و الا آنچه در یک کعبه باشد با هم جمع کنیم و آنچه خالف باشد در جهت کمتر از بیشتر نگاه داریم  
 محاسبه باقی باشد در جهت جمع **ط** به آنکه این دو کواکب را سه عرض استخراج باید کرد و یک عرض تحقیق بود  
 پس مرکز معادل عرض اول بر گیریم و از آن زهره و ایا شمال بود و از عطارد و ایا جنوب و از ایا نگاه داریم و دیگر  
 هم مرکز معادل دقایق النسب **ط** بر گیریم و **ط** او بداند و بخاصه معادل از جدول عرض **ط** بغیر از میل  
 بر دارند و شمالی و جنوبی او بداند و در آن دقایق النسب ضرب کنند و اگر دقایق النسب عرض در یک کعبه  
 یافته باشد مضروب عرض شمالی بود و اگر مختلف باشد در جهت عرض جنوبی باشد پس این عرض **ط** گویند  
 و **ط** بر سر آن بنویسند و دیگر بزرگ از آن مرکز معادل دقایق النسب ثالث بر گیرند و بزرگ خاصه معادل عرض ثالث  
 بر گیرند و جهت هر دو بداند و در جدول ضرب کنند اگر جهت هر دو موافق باشد عرض ثالث شمالی بود و اگر مخالف بود  
 عرض ثالث جنوبی بود و بعد از آن بگیرند بر هر عرض کرد و یک کعبه باشد در شمال هر سه را با هم جمع کنند عرض کواکب  
 بود در شمال و الا باطل و در عرض در یک کعبه خواهد بود آن دور را با هم جمع کنند و اگر مخالف است کم از بیش  
 نگاه دارند آنچه باقی ماند عرض کواکب بود در جهت قاضی از شمال و جنوب **مثال** در اقل فرود آمد مذکور مرکز معادل  
 زهره **ط** مرکز معادل عرض اول **ط** بود این **ط** پس مرکز معادل دقایق النسب ثانی بر داشتیم بود **ط**  
 و خاصه معادل در اقل فرود آمد مذکور **ط** و بخاصه معادل از جدول عرض ثانی بغیر از میل و استخراج بر کعبه ششم میل  
 شمال **ط** استخراج شمال **ط** پس دقایق النسب دوم در میل ضرب کردیم **ط** شد ربع و این عرض دوم **ط**







ر	س
۷	۶
۵	۴
۳	۲
۱	۰

بست سابق باشد و بگایم اگر کمتر باشد تا به تساوی عدل لغز که بخانه یا به خانه حاصل شود  
و بان نسبت تقویم از روز به یاراند و چند مثال که در وقت گذر نیندن و حاصل نشسته  
بودیم در اینجا بر او که دریم تا بر ناظران نشان شود **مثال** در قوس اختلاف روزی  
در یازدهم فروردماه تقویم مریخ **مثال** و تقویم روز به ششم **مثال** و این بر بستن  
**مثال** و بست وسط یعنی عشر است بود این **مثال** تفاوت میان بست سابق و بست  
اوسط **مثال** بر یازدهم قسمت کردیم بدینصورت و خارج قسمت **مثال**

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

پس خارج قسمت را مضاعف کنیم شد **مثال** و این را در فوق نوشتیم بست سابق را در تحت چون بست سابق  
نیز به بست وسط بوده بار از روزی که بستیم بدینصورت  
و این تعدیل بست باشد پس تعدیل بست چون کوکب مستقیم بود بر تقویم افزودیم  
بدینصورت تقویم این ده روزه حاصل شد و چهارم تقویم روز به بست افزودیم تقویم  
روز به بست و یکم حاصل شد پس معلوم شد که عمل صحیح است **مثال** و اگر این تقویم  
بست و یکم مذکور **مثال** بست **مثال** و بست **مثال** تفاوت  
بر یازدهم قسمت کردیم چنانکه بستن ذکر داشت شد خارج قسمت و مضاعف کنیم  
**مثال** شد چهارم بست وسط کمتر از بست سابق بود که بستیم بدینصورت و بر تقویم کوکب

افزودیم شد تقویم ده روزه روز به روز این **مثال** و یکم بست وسط زیاد از بست  
سابق است و تقویم کوکب در تمام قیاس بست بدین طریق تقویم او **مثال**  
بست سابق ما بست وسط **مثال** تفاوت را بدینصورت یافتیم این تفاوت **مثال** که **مثال**  
بر یازدهم قسمت کردیم شد این **مثال** و خارج قسمت را مضاعف ساختیم شد **مثال**  
چون بست سابق کمتر بود بر بست سابق افزودیم و از تقویم کم کردیم بدینصورت و در  
بست ده روزه این سه مرتبه بجهت و استقامت عدل اماره را یافتیم

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

افزودیم شد تقویم ده روزه روز به روز این **مثال** و یکم بست وسط زیاد از بست  
سابق است و تقویم کوکب در تمام قیاس بست بدین طریق تقویم او **مثال**  
بست سابق ما بست وسط **مثال** تفاوت را بدینصورت یافتیم این تفاوت **مثال** که **مثال**  
بر یازدهم قسمت کردیم شد این **مثال** و خارج قسمت را مضاعف ساختیم شد **مثال**  
چون بست سابق کمتر بود بر بست سابق افزودیم و از تقویم کم کردیم بدینصورت و در  
بست ده روزه این سه مرتبه بجهت و استقامت عدل اماره را یافتیم

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

تعدیل بست  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب  
ما کوکب

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

**مثال** در قوس اختلاف روزی در یازدهم فروردماه تقویم مریخ **مثال** و تقویم روز به ششم **مثال** و این بر بستن  
**مثال** و بست وسط یعنی عشر است بود این **مثال** تفاوت میان بست سابق و بست  
اوسط **مثال** بر یازدهم قسمت کردیم بدینصورت و خارج قسمت **مثال**  
پس خارج قسمت را مضاعف کنیم شد **مثال** و این را در فوق نوشتیم بست سابق را در تحت چون بست سابق  
نیز به بست وسط بوده بار از روزی که بستیم بدینصورت  
و این تعدیل بست باشد پس تعدیل بست چون کوکب مستقیم بود بر تقویم افزودیم  
بدینصورت تقویم این ده روزه حاصل شد و چهارم تقویم روز به بست افزودیم تقویم  
روز به بست و یکم حاصل شد پس معلوم شد که عمل صحیح است **مثال** و اگر این تقویم  
بست و یکم مذکور **مثال** بست **مثال** و بست **مثال** تفاوت  
بر یازدهم قسمت کردیم چنانکه بستن ذکر داشت شد خارج قسمت و مضاعف کنیم  
**مثال** شد چهارم بست وسط کمتر از بست سابق بود که بستیم بدینصورت و بر تقویم کوکب  
افزودیم شد تقویم ده روزه روز به روز این **مثال** و یکم بست وسط زیاد از بست  
سابق است و تقویم کوکب در تمام قیاس بست بدین طریق تقویم او **مثال**  
بست سابق ما بست وسط **مثال** تفاوت را بدینصورت یافتیم این تفاوت **مثال** که **مثال**  
بر یازدهم قسمت کردیم شد این **مثال** و خارج قسمت را مضاعف ساختیم شد **مثال**  
چون بست سابق کمتر بود بر بست سابق افزودیم و از تقویم کم کردیم بدینصورت و در  
بست ده روزه این سه مرتبه بجهت و استقامت عدل اماره را یافتیم

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰



















[illegible][illegible]







[illegible][illegible]



[illegible][illegible]



در بیان اتصالات کلی به آنکه اتصال پوستن کو اکب است غیر قریب که دیگر مظهر تناظر و چون خواهیم که اتصال  
کو کب غیر قریب یکدیگر به این بعد یعنی مستقبل می بینیم و بعدش زیاده از دو ربع نخواهد بود و همیشه در وقت  
دو ربع و سی دقیقه مرزای تجدید عمل خورده ماسه درجه روز دقیقه عمل کرده ایم و داخل زج که شصت ابرم نیست  
در ساعت جدول و بعد در همین جدول طلب باید نمود بر عکس من اجابت و از مقدار هر دو ساعت بعد در جدول  
و در بعدش و مستقبل چنانچه در مناجات ذکر یافت عمل نمایند مثال تقویم شمس نصف النهار روز  
یکشنبه الله تقویم مشرق را بعد شمس بهشت شمس ظلمت مشرق بهشت معدل **مثال** پس بهشت معدل  
و دقائق بهشت از جدول اتصالات ساعات بعد بر ششم **مثال** ساعات نصف النهار **مثال** چنانچه بعضی  
بود و کمتر از ساعات نصف النهار بر ساعت افزودیم بدین صورت در تقویم **مثال** روز **مثال** و دیگر  
روز جمعه تقویم مشرق را تا تقویم عطارد - **مثال** بعد **مثال** لا بهشت معدل **مثال** ساعات بعد **مثال** ساعات نصف النهار  
چون زیاده از ساعات نصف النهار بود از هر رفتیم و بدین صورت **مثال** در تقویم ششم و این را نظرات  
و اتصالات کل میکند همچنانکه مرزای شریف میفرماید اگر هر چه کو کب مستقیم اند بهشت کمتر از نیم مرتبه  
بهشت معدل میشود اگر هر رابع باشد پس تفاضل بهشت بهشت معدل است و اگر یکی رابع و یکی مستقیم  
باشد بهشت هر کو کب بر هم افزایم بهشت معدل میشود و در اتصالات کل بهشت ماضی و مستقبل همچنانکه از اجابت  
است الا در مناجات بعد از ابان و بهشت از این جدول طلب باید کرد و در اتصالات بر عکس عقد دوم  
در بیان تناظر زمانی و طلوع آفتاب تناظر زمانی آن بود که هر دو موضوع باشند که ساعات روز و ساعات شب  
باشد و آن در موضع است سر سلطان و سر جرد که بعد هر از نقطه سر سلطان و سر جرد عکس او شدند  
چنانکه یکی در سمت درخت نور بود و یکی در ده درجه پدید و بعد هر یک از سرطان بگردید و وجه دوازده  
چار ربع بهشت درجه و فاصل چند میگویی کم که طابان را ارسان گفتند آنرا نفعه **مثال** ششم  
که تناظر زمانی شمس و زهره بدانیم تقویم شمس - **مثال** تقویم زهره - **مثال** که از هر هریست که چهار  
درجه شود پس دقائق شمس بر دقائق زهره افزودیم **مثال** دقیقه شد پس **مثال** دقیقه باقی ماند و این بعد  
ماضی و بهشت معدل اینجا که مرزای شریف دو امره میفرماید که اگر هر دو مستقیم باشند یا هر دو رجع باشند  
مجموع بهشت میگیریم یا قسیم بهشت شمس بهشت زهره **مثال** بهشت معدل **مثال** از جدول اتصالات  
برداشتیم ساعات بعد بود **مثال** ساعات نصف النهار **مثال** چون ساعات بعد کمتر از نصف النهار

بود و افزون و باین صورت **ط ۴۰** در تقویم نوشتیم مثالی دیگر تقویم شمس که در تقویم  
عطار بود و **ط ۴۱** پس در قافیه شمس عطار در برهم افزودیم شد تا یکده روزه است و این وقایع  
بعد شد بهت شمس **ط ۴۲** بهت عطار **ط ۴۳** بهت معدل **ط ۴۴** ساعات نصف النهار **ط ۴۵** ساعات  
بعد ظهر **ط ۴۶** نصف النهار بود در پنج عصر شد بود که بعد ول بر داریم هر دویم که بعد از در بهت چهار  
غرب کردیم شد **ط ۴۷** و در بهت معدل قسمت کردیم خارج قسمت بود این ساعات بعد شد چون بعد  
ماضی بود نصف النهار افزودیم بدین صورت **ط ۴۸** در تقویم نوشتیم مثالی دیگر تقویم عطار **ط ۴۹**  
تقویم زمره چهار بهت معدل از **ط ۵۰** بود که در بهت بدین صورت و این را **ط ۵۱** در تقویم نوشتیم  
مثالی دیگر تقویم شمس **ط ۵۲** که در قافیه شمس عطار در برهم افزودیم اوقیه بعد مستقیم بود و در  
بهت معدل **ط ۵۳** بود ساعات بعد **ط ۵۴** بود ساعات نصف النهار تا چند بعد مستقیم بود از ساعات  
نصف النهار نقصان کردیم و در تقویم بدین صورت نوشتیم **ط ۵۵** تا یک دیگر تقویم شمس  
**ط ۵۶** در تقویم زمره **ط ۵۷** در قافیه برهم افزودیم بعد مستقیم **ط ۵۸** بهت معدل **ط ۵۹** ساعات بعد **ط ۶۰** ساعات  
نصف النهار **ط ۶۱** چون بعد مستقیم بود از ساعات نصف النهار نقصان کردیم و بدین صورت  
**ط ۶۲** در تقویم نوشتیم اما ظاهر ظاهر است که در میان دو کلمات باشد در هر موضوع که ظاهر  
من و در باشد و از سر هر دو سر مینماید چنانکه یک در بهت در بهت بود و یکی در در در بهت پس  
بعد هر یک از سر هر دو سر بود و از سر مینماید چنانکه در هر دو و مادر این چنانچه مثال یکوینیم  
در بعد ماضی مستقیم که در ظاهر ظاهر است نسبت دعا و خیر مثال تقویم شمس **ط ۶۳** در تقویم  
زمره و این **ط ۶۴** بعد ماضی **ط ۶۵** بهت معدل **ط ۶۶** ساعات بعد **ط ۶۷** ساعات نصف النهار **ط ۶۸**  
چون زیاده از ساعات نصف النهار بود از ساعات بعد کم کردیم و بدین صورت **ط ۶۹** در تقویم  
نوشتیم مثالی دیگر تقویم رضی **ط ۷۰** تقویم زمره **ط ۷۱** بعد ماضی بود **ط ۷۲** بهت معدل **ط ۷۳** ساعات بعد **ط ۷۴**  
ساعات نصف النهار **ط ۷۵** چون کم از نصف النهار بود بر او افزودیم و بدین صورت در تقویم  
نوشتیم **ط ۷۶** تا یک دیگر تقویم پنج **ط ۷۷** در تقویم عطار **ط ۷۸** که بعد ماضی **ط ۷۹** بهت ماضی  
**ط ۸۰** بهت عطار **ط ۸۱** بهت معدل **ط ۸۲** ساعات بعد **ط ۸۳** ساعات نصف النهار **ط ۸۴** و چون  
زیاده از ساعات نصف النهار بود ساعات نصف النهار از او کم کردیم و بدین صورت **ط ۸۵** و **ط ۸۶**  
در تقویم نوشتیم این سه مثال بجهت بعد ماضی آوردیم اما مثال جرته بعد مستقیم تقویم پنج **ط ۸۷**







ساعات بعد از ششم بود **اول** نصف النهار بود و چون بعد از آن ساعات نصف النهار ساعات  
نصف النهار از روی نقصان کردیم و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم و اگر آخر شرف شمس فراوانند  
بعد میان نوزده درجه تا صد و یک درجه و تقویم به این طریق **مثال** تقویم شمس **الفصل** در تقویم نوشتیم  
بعد ساعات نصف النهار **دوم** بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
بعد درجه تا شرف - بعد استقبال **اول** بهر قریه ساعات بعد ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم**  
از ساعات نصف النهار از روی نقصان کردیم و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
**دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار  
النه از روی نقصان کردیم و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم و این خلاف جدول است و از دوازده درجه بیشتر است اقل آنکه  
تا تقریب باشد میان اترق و شرف و آنکه نقطه مطلق نبوده باشد در بالای آن دوم آنکه کوکب شرف در  
شرف کوکب ازین جهت در کوکب این را منظور داشته به این صورت نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
**دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار  
چون بعد استقبال بود و کمتر از ساعات نصف النهار از روی نقصان کردیم و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم  
در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
**دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار  
در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
آنکه برسد شرفه کوکب و وجه عمل است که چون بعد میان تقویم و بعد درجه بگیرند اگر فصل ایچه  
درجه را باشد بعد ماخ است و آن بعد استقبال و کج بعد و وجه ماه از جدول مزاجات ساعات بعد  
بردارند و عمل را بطریق مذکور تمام کنند و درین نیز دو مثال بجهت بعد و استقبال کوکب **مثال**  
تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
ساعات نصف النهار از روی نقصان کردیم و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
بعد استقبال یعنی بعد از آن ساعات بعد ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار  
چون بعد استقبال بود و کمتر از ساعات نصف النهار از روی نقصان کردیم و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم

مثال دیگر

عقد دوم

**عقد دوم** در بیان جدول و طریق او بدین گونه بهشتم شرف کوکب بهبوط الکوکب است بهمان درجه که  
بهبوط شمس بعد از میزان و بهبوط قمر **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
و بهبوط مریخ **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
ناقصه بود و طریق عمل اینها بهمان طریق است که در شرف گفته شد و محتاج به تطویر نیست و طریق مقابل  
نیزه است یعنی نوزده درجه ناقصه میزان و طریق عملش نیز بطریق عمل نیزه است **عقد** در تقویم نوشتیم  
و درین چون کوکب بهبوط عقدین رسد آنرا محاسبه کنید و طریق عمل آنست که تقویم پس و تقویم کوکب بعد  
گیرند و در قریه ازای بعد و بهر معدل از جدول مزاجات ساعات بعد بردارند و در دیگر کوکب از جدول  
اتصالات و بطریق نظرات آنها که مذکور شده تمام نمایند و ما **مثال** بجهت سهولت بگویم با آنکه هیچ تعادل  
درین نیست و مثال او مشروح گفته خواهد شد **مثال** تقویم شمس **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
**الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
از روی نقصان کردیم و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
بعد ساعات **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
در تقویم نوشتیم و در کوکب دیگر غیر قمر عمل درین زنب بهمان طریق است اما در قریه از مزاجات بردارند  
و بدین طریق تمام نمایند **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم  
بعد ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار  
**دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار **دوم** ساعات نصف النهار  
و بدین صورت **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
البعده و جزو اجتماع و استقبال مشتمل بر دو عقد **عقد اول** در بیان جدول و طریق او بدین گونه  
کوکب سته غیر قمر چون از هر جزو هر کوکب نقل کنند آنرا تحویل گویند و در قریه مثال آن بعد ازین و عمل  
آن خواهد آمد **الفصل** در تقویم نوشتیم **مثال** در تقویم نوشتیم **الفصل** در تقویم نوشتیم  
و دیگران بعد از آنست و اگر اقرب و قریه همان و قریه مریخ دیگر باشد همان و قریه مریخ دیگر بعد استقبال است و  
بهر جهت که کوکب مقابل روز تحویل اگر بعد ماخ باشد و مقابل روز پیش اگر بعد استقبال باشد و بعد  
از جدول اتصالات ساعات ببرد دارند و از نصف النهار نقصان کنند اگر بعد استقبال باشد و ساعات  
بعد کمتر از ساعات نصف النهار و بر نصف النهار افزایند اگر بعد ساعات باشد و ساعات بعد کمتر از











وَمِنْ الْغُرُوبِ

عوض قدر

شماره ۱۲

فرض

بدین طریق

[illegible]







































۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	
سختوزنیدن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
غریب شمار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
خسته و مضطرب کردن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
معامله چشم	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
تجارت	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
برایب و نوازدن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
طلب فرزند	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
تغافل و تحمید	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
بنده آواز کردن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
موی ستردن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
زفاف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
فرزند بکشد زلف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
کودک بکوباده بستی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰																				

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	نام نهادن
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	کاربرد کردن
۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	اسلام گرفتن
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	استدلال نمودن بکس
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	مصلحتی بنام
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	کار آتش کردن
۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	عاجت خواستن
۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	شروع در عمل
۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	پیچ و مشی
۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	قرین کردن
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	قرین دادن
۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	دیدار خواجگان
۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	دیدن قضات
۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	دیدن اهل صلاح
۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰	دیدن ملوک
۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	نزدیدن و دور شدن
۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	فصل و جهات
۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵	۲۱۶	دار و خور و دان
۲۱۷	۲۱۸	۲۱۹	۲۲۰	۲۲۱	۲۲۲	۲۲۳	۲۲۴	۲۲۵	۲۲۶	۲۲۷	۲۲۸	سفر کردن
۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۳۲	۲۳۳	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰	شنا و بیادها دان
۲۴۱	۲۴۲	۲۴۳	۲۴۴	۲۴۵	۲۴۶	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	دخول به دست یابد
۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵	۲۵۶	۲۵۷	۲۵۸	۲۵۹	۲۶۰	۲۶۱	۲۶۲	۲۶۳	۲۶۴	بنده گردیدن
۲۶۵	۲۶۶	۲۶۷	۲۶۸	۲۶۹	۲۷۰	۲۷۱	۲۷۲	۲۷۳	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۶	ریت ساختن
۲۷۷	۲۷۸	۲۷۹	۲۸۰	۲۸۱	۲۸۲	۲۸۳	۲۸۴	۲۸۵	۲۸۶	۲۸۷	۲۸۸	ابتدای علم و کتاب
۲۸۹	۲۹۰	۲۹۱	۲۹۲	۲۹۳	۲۹۴	۲۹۵	۲۹۶	۲۹۷	۲۹۸	۲۹۹	۳۰۰	نامرد رسول و زندان
۳۰۱	۳۰۲	۳۰۳	۳۰۴	۳۰۵	۳۰۶	۳۰۷	۳۰۸	۳۰۹	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲	تزوینج
۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸	۳۱۹	۳۲۰	۳۲۱	۳۲۲	۳۲۳	۳۲۴	جور و کار نکردن
۳۲۵	۳۲۶	۳۲۷	۳۲۸	۳۲۹	۳۳۰	۳۳۱	۳۳۲	۳۳۳	۳۳۴	۳۳۵	۳۳۶	عاب کردن
۳۳۷	۳۳۸	۳۳۹	۳۴۰	۳۴۱	۳۴۲	۳۴۳	۳۴۴	۳۴۵	۳۴۶	۳۴۷	۳۴۸	استخام
۳۴۹	۳۵۰	۳۵۱	۳۵۲	۳۵۳	۳۵۴	۳۵۵	۳۵۶	۳۵۷	۳۵۸	۳۵۹	۳۶۰	اجناس گردیدن











بسمه کار و بخت مخصوصی را خدا را **القسم فی الجملی** نهکت زمین سستوران دی رت کردن

نیکیت مزید سراوین ملود

نیکست از زمین کاد و در کسند

نکست که عظمی و جوی و کاریز  
با کت بنت هارث زینب و همی اید

تجلیت قیامت در این

نیکست از برین رنگین و در نیکست از برین رنگین

نیکست مزایا کردن خانه بحث عبارت  
حق را از کلام مخصوص مغز زراعت

شملت می رت زمیں  
یکت فزایہ کردن فامزفت می رت

نیت معاينه کاد و کوسه  
حذر از جمع مہات یہ

نهیست بهندان کردن مال  
پاک بستن عیادت کردن

نیلست قریب من سلطت و اسباب  
نیلست دلائل نهادن سنور  
نیلست نقد علم فقیر و کرم  
نیلست در حق نرماندن

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل العلم نوراً  
والعلم نوراً

شکست شاهان کوشک در راه

همه کار خود را به خصوص رفع حاجات  
شعبه بهاء و عزم بهاء و عزم بهاء

پسندت همه کارها را  
منگست غلامان فقیر

نیکت نهادن قلم نهادن  
پندت عدم نام  
بهیچ کارنش بر

فکیت پندی بزرگ نهادن	جهیز کردن پیران اعلام شریعت
----------------------	-----------------------------

نیکست با نماندن باغ دستان

نیک طراپی همه می رست کردن

نیکست سلفین طاعت و نیز بخا نرا

بنگشت بنامان و فرزند بنز  
بنگشت بنام علم و خط و علم فقه

نیکست گفتی اسرار ده من نهان شد  
بالنیت این نهان در عیارت

خجسته ای که کارها  
بیج ندارد

نیکوئی همه کارها      نیکوئی همه کارها

في المحور

همه کار خوبست خصوص فرزند با جواهر **ذیل** نیکت دارد و فرزندان دجوی و کار نیز نند

همه کار خیریت حضور من سفر کردن دریا  
من بیخ

۱- که کار فریب عطا کرد بنکد شرکت و تجارت کردن -

به است دارو و دوز  
 به است دارو و دوز

عزبت فزیران جواهرانی  
مهرج  
بیج کارش به  
نکت مضامین سار و دوار  
میانج

بخت فردن سبیل دوارد	عطار	بخت ہی دلہ با اہل دیوان
حزور دہ باب بست	جمال	ظہر بر آریض است و سر خرو

در درجه باب  
در درجه باب

مرح  
طاهر

نیکیست که در راه حق  
نیکیست که در راه حق

مرا بخ

بنکست و نه بخت بخا زمان

...

\_\_\_\_\_







فهرست الجداول

تمت المجلد اول

[illegible]











رسم کنند چنانکه مجموع شصت و چهار را افق شود که تمام عرض معروض است و در تمام این  
مداخت بر خط مستقیم رسم کنند با نظری که در مدار است اجزای شش و دو چنانکه  
کفیم رسم کنیم بر وجهی که بر آن خط موازی بود و در آن صیفی غیر موازی و ارتفاع در  
میدان میان ثبت کنند اما صیفی عرض تمام میل بر آن وجه باشد که بر یک از صفا  
افق عرض شصت و شش در عرض رسم کنند و علامت صحت عمل آنکه هر چند این خط  
وسط السمانند خط منطقه البروج بر افق افق منطبق شود پس چنانچه در ابواب مقدمه  
مذکور شد مقتضای ارتفاع و انحراف و دوری است و هم در فوق الارض هم در تحت  
الارض رسم کنند و فاصله این صیفی بسیار است چنانکه در کتب طرلاب مذکور است  
**باب پنجم در معرفت صفت عضاده و اجزای طرلاب** عضاده در دو  
نوع است و معروف اما نام طرلاب بود که طرلاب مساوی قطر عظم دایره است چرخ بود و سطح  
طرازا در عرض طول یک خط طرلاب و یک خط عرضی شصت کنند و محل تقاطع این  
دو خط مرکز عضاده بود و عضاده معروف بر آن وجه بود که چنانچه عرض عضاده خط طرلاب  
مذکور نصف شود یک نصف آن تمام باشد از آنکه در مدار مرکز که قدری بکشد  
بجست نقبه که محل قطب است و بعضی یک نصف از یک نیمه خط و یک نصف از نیمه  
نیمه افق باشد از آنکه بر سطح مساوی و دو شصت بر دو طرف عضاده باشد از آنکه بر سطح  
خط باشد که منصف عرض است پس دو لبه مربع است و مقدار بر دو طرف  
عضاده ترکیب کنند بر وجهی که بعد از آن از مرکز عضاده است و بر سطح طرلاب  
بر سطح عضاده و باید که فصل مشترک میان سطح لبه و عضاده عمود بود بر خط طرف

عضاده

عضاده و در سطح یک از آن دو لبه دو نقبه باریک کنند بجست ارتفاع طرلاب  
بر وجهی که در شصت و در فوق این دو نقبه دو نقبه اوسع سازند بجست ارتفاع  
و بعضی بر همان دو نقبه اولی قضا کنند و در سر لبه از آنکه با وقت اخذ  
ارتفاع کوب انویس در میان دو لبه و درین دو رصه حکم کنند بر وجهی که چنانچه  
بر می ذات نقبین باشد بعد از آن بر مرکز عضاده و مرکز وجه و صفا یک دو خط  
مساوی رسم کنند و آنرا مشقوب از مرکز بجست قطب و صفا یک را از آنکه در یک خط  
رصد از مرکز چنانچه افق خط وسط السمان نصف ان رصه بود و بر می ذات آن  
در وجهی که زیاد تر یک کنند تا عرض صفا یک در وجهی که رصه بود حرکت طرلاب  
متغیر شود و آن زیادتر از آنکه با نیمه خواهند و صفت قطب و عرض و عرض و صفت  
مستقیم بیان نیست **باب چهارم در معرفت رسم چرخ طرلاب**  
اول چرخ را بر دو مقعر محکم کنند چنانچه طرلاب بجانب فوق بود و در بر وجهی  
در هر یک از اجزای ارتفاع جسمی سطح بر آن لوح ترکیب کنند چنانکه سطح او همان  
سطح طرلاب بود پس خط افقی را بر استقامت افراجه کنند تا باین سطح رسد  
و عمودی درین سطح بر آن خط افراجه کنند چنانچه در روی از نصف خط نصف  
النهار بود پس آن عمود را نصف خط نصف النهار از یک نقطه رسم کنند  
و از تمام یک خطوط باقیمانده دیگر افراجه کنند بر وجهی که این خط موازی خط  
انصاف بود پس عضاده را بر خط نصف النهار یک نصف طرف عضاده را که بجانب  
اجزاء ارتفاع بود نصف رسم کنند و هر چند دوه مرتبه رسم کنند ابتدا از مرکز



عقاد و بعضی چوب و قوس ابرو بر عضا و نقش کنند بآن طریق که از هر جزء از اجزای  
 خط و از خط است بعضی خط نصف النهار کنند پس خطی که از خط بود قسم کنند  
 پس عضا را بر خط نصف النهار روند و یک نصف از طرف عضا و ابتدا از مرکز مثل آن  
 قوس بود قسم کنند و آنرا نصف مقوس فرمایند پس نصف یک طرف یک از عضا  
 و مقابل نصف مقوس بود ابتدا از مرکز نصف قسم کنند و هر یک در هر یک دو قوس کنند  
 و آنرا نصف مجیب گویند و بعضی چوب بر خط جوه نقش کنند در ربع مقابل ربع ارتفاع  
 بآن طریق که طرف طره بر جوه و بعضی از اجزاء ارتفاع و بر مرکز جوه روند و مقابل  
 طرف طره بآن ربع نشان کنند و از جدول چه معلوم کنند که چوب آن بر جوه چند باشد  
 رقم عدد آن بر آن نشان ثبت کنند و باین طریق قسمت این ربع با تمام رسانند  
 و مابعد و چوب در موضع ابرو و قوسم آنقدر که در عمل مطلاب بکار آید تا حاصل

برج ربع نماید کرد و جدول نیست

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

جدول

**باب پانزدهم** در صورت نقش اجزای مثل اول بر خط نصف النهار  
 نقطه تعیین کنند و از آن نقطه عمودی بر خط نصف النهار در مقابل ربع ارتفاع

کنند

گردانند و آن عمود را از وسط خط مطلاب افراج کنند لایزال نماید و آنچه از خط  
 نصف النهار میان مرکز جوه و نقطه مذکور به مشرب و از دو قسم مساوی کنند اگر مطلاب  
 ظل اصابع بود و بود قسم اگر ظل اقدام بود و بشتر قسم اگر ظل سینه بود و بآن  
 عمود را بشتر یک قسم این قسم قسمت کنند و طرف طره بر جوه از اجزاء ارتفاع که  
 از جبهه مشرب باشد و بر مرکز جوه روند آنچه از اجزای عمود مابین طرف طره  
 و خط نصف النهار باشد ظل آن جزء بود که طرف طره بر آن جزء موضوع باشد پس  
 طرف طره با ربع مقابل ربع ارتفاع نشان کنند و رقم آن قدر بر آن نویسند  
 و باین طریق تمام آن ربع را تمام کنند و بالضرورة آن قسم مشخصه و ابتدا  
 از تمام ظل از طرف غیر خط نصف النهار کنند و این ظل سوی جوه و اگر مطلاب ظل  
 معکوس بود این عمود بر نصف خط افقی که در جانب بچین بود در مقابل ربع ارتفاع  
 افراج باید کرد و بطریق مذکور ظل را تمام رسانند و ابتدا ای ارقام ظل معکوس از طرف  
 خط افقی باید کرد و در هر نقش اطلال استویه ارتفاع تا که از زمین دور مکر باشد در مطلاب  
 مقبرست و همچنین اطلال معکوسه ارتفاع تا که از زمین بیشتر است بعضی ارتفاع  
 اطلال استویه قوسها که از زمین بیشتر باشد و اطلال معکوسه قوسها که از زمین کمتر باشد  
 در ربع مقابل ربع ارتفاع رسم کنند و آنرا ظل ستم گویند و بجهت صورت رسم آن اطلال  
 فرض کنیم که دایره آن حتماً دایره طره جوه است بر مرکز  
 و آن خط نصف النهار و آن خط افقی پس ربع را  
 که مقابل ربع است که ربع ارتفاع بر نقطه آن نصف کنیم و آنرا





نقطه عمود تنه بر سه افراج کنیم و عمود خط بر آن و هر یک از این دو عمود را بطول  
قسم کنیم اگر طول اصابع بود و بر هفت قسم اگر طول اقدام بود و بر شصت قسم اگر طول شصت  
بود و از تمام اعداد بر آن ثبت کنند و ابتدا از دو نقطه نقطه خط و عمود تنه بجهت شمال  
معکوس بود و عمود خط بجهت شمال مستوی و باید که اطلاع جنوب بر ظهر جبهه پس از آن  
رسم کنند که مرکز جبهه منقوب شود **باب شانزدهم** در معرفت جبهه و شفق  
و عصر و خطوط ساعات معوج بر عضاوه اما خط جبهه و شفق در صفای رسم کنند  
با نظری که مقطره الخط طایفه در رسم کنند و آنرا از آن مقطره در میان مدار  
رسم کنند و رسم السطحان هند منور رسم کنند و باقی غیر منور بر آن نقطه که در میان  
مشرق بود ثبت کنند طریقه الفجر و بر آن نقطه دیگر مغرب الشفق و بجهت خط عصر و خط  
مدارات افزای بروج در قسم فوق الارض یا تحت الارض غیر منور رسم کنند و خط  
غایت ارتفاع معلوم کنند و مقدار مقیاس آن خط بر آن خط افزایند بعد از ثبت  
و ضعف مقیاس بعد از ضعف تا خط ارتفاع اول عصر بر آن دو مدار صادر آید  
پس هر جزو از افزای بروج بر مقطره ارتفاع عصر نهند و موضع آن جزو را  
در مدار او ثبت کنند اگر آن خط در قسم فوق الارض رسم خواهند کرد و موضع نظیر آن  
جزو را در مدار نظیر او اگر آن خط در قسم تحت الارض رسم خواهند کرد و باید نظری  
مدارات جمیع افزای با مدارات نظیر آن افزای آن کنند و میان آن ثبت نما  
بخطوطی که تا خط عصر صادر آید پس بر خط عصر شفق ثبت کنند اول العصر  
و بر خط عصر شفق افزای العصر و بعضی این دو خط بر ظهر خط باب رسم کنند با نظری که

بعد از افزای شمس بروج دو بر متوازی که ابعاد میان آنهاست و بر ظهر جبهه رسم کنند  
پس طرفی طره بر مثل ارتفاع عصر یک یک جزو و مرکز جبهه نهند و تقاطع خط  
مسطره با مدارای که بجهت آن جزو رسم شده ثبت کنند و میان آن ثبت نما  
و مثل کنند بطریقی که در صفای مذکور شد تا خطوط عصر صادر آید و بجهت شفق  
رسم خطوط ساعات معوج بر عضاوه  
فرض کنیم که آن مابین البینین است  
از عضاوه و آواته طول البینین  
پس آن را افراج کنیم تا ده مساوی  
آن شود و بر مرکز آن بعد از تقوین  
رسم کنیم و آنرا بنشینیم و رسم کنیم  
تا خط آن را قطع کنند بر خطهای که آن ده مساوی پس خط طول عضاوه را در مابینین  
بر نسبت تمام مذکور قسمت کنند و از موضع تقاطع خطوط عرضیه در سطح عضاوه  
موازی قاعده البینه افراج کنند خطوط ساعات معوج حاصل آید و نقطه ای که موضع خط  
نهایت ساعت اول و بعد از او دوم بر دو سه موضع خط نهایت ساعت دوم  
و بعد از او سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و بیستم  
**باب هفدهم** در معرفت کیفیت استخراج جدول مستور جهته و معرفت مدار  
مقطرات واتی و انصاف قطار مدارات و غیر ذلك همچنین می نهند تقسیم دایره افراج  
و غیر ذلك و آن همه بربطه بر سر در عمل و احباب این صفت جدول وضع کرده اند





# جدول

استخراج ابعاد هر کز افق و مقطرات از مرکز نصفه و تعیین مراکز و ابرسموت مرز و ان کرد

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

و فضل ربع دور بران نصف گیرند پس چپ آن نصف را در محفوظ ضرب کنند و حاصل  
 بر چپ فضل ربع بر نصف آن جزو قسمت کنند و خارج قسمت را با آن جزو در  
 وضع کنند و با این طریق اجزای نصف دور را تمام عمل کرده در جدول آورده و نیم  
 جدول ثبت و انصاف قطره که درین جدول موضوع شده همه با جز است  
 که نصف قطر مدار اعظم در وسط باشد و اگر خواهند که اعداد در جدول  
 موضوع بشود دیگر باشد نصف قطر مدار مذکور را می گیرند و آنچه در جدول ثبت نصف  
 کنند و اگر خواهند نصف قطر آن مدار را با آن در جدول ثبت و اگر خواهند  
 و چنان کیفیت استخراج این جدول معلوم شد طریق عمل بآن جدول در ابواب  
 آینده ایراد کنیم و الله اعلم بالصواب **باب مجدد** در معرفت انصاف قطره  
 مدارات افقی و مقطرات وسط لاب شمال از جدول استوار اگر مدار شمال بود و بعد  
 از جدول انهار را از ربع دور وسط کنند و اگر جنوب بود ربع دور افزایند آنچه  
 بازا باقی یا حاصل در جدول ثبت شود بعد مدار بود از مرکز نصفه پس هر یک از  
 خط وسط السما که در جدول پس جدول بود در نصف قسم و در کنند تا موضع بعد  
 از مرکز نصفه معین شود و بجهت افق و مقطرات خط وسط السما را اخرج کنند و آنرا  
 با جز انصاف قطر مدار پس جدولی قسمت کنند پس عرض بلد را از جدول راورند آنچه بازا  
 آن بود محفوظ دارند و هم عرض بلد را از نصف دور وسط کنند آنچه بازا باقی  
 در جدول با محفوظ جمع کنند قطره افقی حاصل آید پس محفوظ را از نصف قطر افقی  
 کنند آنچه بازا ماند بعد مرکز افقی بود از مرکز نصفه در جانب فوق و در مقطرات



به مقطره که از عرض بلد کمتر بود آنرا از عرض بلد تقاطع کند آنچه بازا باقی بود در  
 جدول دستور محفوظ دارند پس همان مقطره بر عرض بلد افزایند و مجموع را  
 از نصف دور تقاطع کند آنچه بازا باقی باشد در جدول محفوظ جمع کند قطره  
 مقطره حاصل آن محفوظ را از نصف قطر آن مقطره تقاطع کند بعد از  
 آن مقطره از مرکز ضعیف در جانب فوق و هر مقطره که از عرض بلد بیشتر بود  
 اول عرض بلد از آن تقاطع کند آنچه در جدول بازا باقی ماند محفوظ دارند  
 پس عرض بلد را بر آن مقطره افزایند و حاصل را از نصف دور تقاطع کند  
 آنچه در جدول بازا باقی بود محفوظ را از آن تقاطع کند قطر آن مقطره حاصل  
 و مجموع نصف قطر مقطره با محفوظ بعد مرکز آن مقطره بود در جانب فوق  
 از مرکز ضعیف و الله اعلم **باب نهم** در معرفت انهار و اطراف مدارات  
 و افق و معطرات و سطرلاب جنوبی از جدول دستور اگر مدار شمالی بود بعد از  
 از معدل النهار بر ربع دور افزایند و اگر جنوبی بود از ربع دور تقاطع کند  
 آنچه بازا حاصل باشد باقی در جدول مثبت بود بعد در جدول از مرکز ضعیف اما  
 معرفت قطرافی همان نوع است که در سطرلاب شمالی مذکور شد الا  
 آنکه مرکز افق در سطرلاب جنوبی در جانب تحت الارض بود اما مقطره  
 هر مقطره که از عرض بلد کمتر بود آن مقطره را بر عرض بلد افزایند آنچه بازا  
 حاصل در جدول محفوظ دارند پس آن مقطره را از عرض بلد تقاطع کند  
 و باقی را از نصف دور پسند از آن در جدول بازا باقی دوم بود با محفوظ

جمع کند

جمع کند قطر آن مقطره حاصل آن پس محفوظ را از نصف قطر آن مقطره  
 تقاطع کند بعد مرکز آن مقطره از مرکز ضعیف در جانب تحت الارض حاصل آن  
 و آن مقطره که بر عرض بلد بود آنچه در جدول بازا از نصف عرض بلد بود  
 بعد از آن مقطره بود از مرکز ضعیف در جانب فوق الارض و هر مقطره که از عرض  
 بلد بیشتر بود آنرا بر عرض بلد افزایند آنچه بازا حاصل در جدول محفوظ دارند  
 پس عرض بلد را از آن مقطره تقاطع کند و باقی را از نصف دور پسند از آن  
 باقی دوم در جدول محفوظ را از آن تقاطع کند قطر آن مقطره حاصل آن  
 با نصف قطر آن مقطره جمع کنند بعد مرکز آن مقطره در جانب فوق الارض  
 از مرکز ضعیف حاصل آن و ابعاد مرکز معطرات الخطوط سطرلاب جنوبی و افق  
 مرکز معطرات ارتفاع سطرلاب جنوبی است الا آنکه هر مقطره که کمتر از عرض بلد  
 بعد مرکز آن از مرکز ضعیف در جانب تحت الارض بود و هر مقطره که بیشتر از  
 عرض بلد بود بعد مرکز آن از مرکز ضعیف در جانب تحت الارض بود ابعاد مرکز معطرات  
 الخطوط سطرلاب جنوبی بعینه چنانچه مرکز مرکز معطرات ارتفاع سطرلاب شمالی  
 بود الا آنکه ابعاد مرکز آن از مرکز ضعیف در جانب تحت الارض بود و الله اعلم **باب**  
**پنجم** در معرفت مرکز دایره سموت از جدول دستور تمام عرض بلد را در  
 جدول در آورند و آنچه بازا آن بود بعد اعطای سمت الارض بود از مرکز ضعیف در جانب  
 فوق پس تمام عرض بلد را از نصف دور تقاطع کند آنچه در جدول بازا باقی بود بعد  
 سمت مقدم بود از مرکز ضعیف در جانب تحت الارض و این در سطرلاب شمالی است و در سطرلاب











85





این کتاب در کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی  
 تهران ثبت شده است  
 شماره ثبت: ۱۳۵۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷  
 این کتاب در کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی  
 تهران ثبت شده است  
 شماره ثبت: ۱۳۵۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷

این کتاب در کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی  
 تهران ثبت شده است  
 شماره ثبت: ۱۳۵۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷  
 این کتاب در کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی  
 تهران ثبت شده است  
 شماره ثبت: ۱۳۵۷  
 تاریخ ثبت: ۱۳۵۷

